

همکاری‌های روسیه - ایران پس از بحران امنیتی سوریه

محمود عباسی¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال نوزدهم، شماره 3، پیاپی 75، پاییز 1397؛ صفحات 100-69

تاریخ پذیرش نهایی: 1397/08/23

تاریخ دریافت: 1397/07/27

چکیده

شراکت و همکاری نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران و روسیه در پرونده سوریه از سال 2015 (1393) آغاز شد؛ این شراکت یا به تعبیر دیگر ائتلاف نظامی با تقسیم وظایف معین و مشخص جهت مقابله با گروه‌های معارض و تروریستی در خاک سوریه تشکیل شد و به موجب آن تغییرات چشمگیری در عرصه معادلات نظامی-امنیتی سوریه رخ داد و به مرور زمان معادله نظامی در پرتو این ائتلاف و با مشارکت ارتش سوریه، به نفع نظام حاکم تغییر یافت. این همکاری و شراکت نه تنها منجر به تغییر موازنه نظامی-امنیتی به نفع دولت سوریه و مهار سیاست‌های امریکا در عرصه تحولات میدانی سوریه شد بلکه به موجب آن، روند جدیدی از همکاری‌ها میان ایران و روسیه در عرصه سیاسی در پرتو شکل‌گیری روند مذاکرات آستانه با مشارکت ترکیه آغاز شد و هر دو کشور در فرایند حل و فصل سیاسی تحولات سوریه اقدام به نقش‌آفرینی کردند. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه تلاش شده، ضمن تبیین عوامل همگرایی و واگرایی در مناسبات آینده ایران و روسیه در پرونده سوریه، به سناریوهای احتمالی آینده مناسبات دو کشور پرداخته شود. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه در پرتو تمرکز بر تهدیدات و فرصت‌های مشترک در عرصه نظامی و امنیتی در مرحله پسابحران استمرار خواهد یافت و هر دو طرف با توجه به نیاز متقابل در عرصه‌های مختلف، به روند همکاری‌های خود ادامه خواهند داد.

واژگان کلیدی

ایران، روسیه، سوریه، واگرایی، همگرایی

1. دانشجوی دکتری ادبیات عرب، مسئول گروه مطالعات شامات در مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور



مقدمه

در پی وقوع بحران در سوریه در سال 2011، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای حامی نظام حاکم سوریه، وارد این کشور شد و در مسیر حمایت از نظام حاکم در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای گام برداشت اما در پی قدرت گرفتن گروه‌های معارض نظام سوریه و حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی از این گروه‌ها و تزریق عناصر تروریستی از خارج به سوریه و مسلح کردن این گروه‌ها به سلاح‌های پیشرفته، موازنه نظامی در عرصه میدانی با توجه به حمایت و پشتیبانی غرب و حوزه عربی به نفع گروه‌های معارض تروریستی برهم خورد و تا سال 2015 بیش از 70 درصد جغرافیای سوریه در اختیار جریان‌های مخالف قرار گرفت؛ این در حالی بود که تا پیش از آن معادله نظامی تا حد زیادی با پیروزی‌های ارتش و نیروهای هم‌پیمان آن به نفع نظام حاکم بود. پس از آن جمهوری اسلامی ایران طی یک اقدام ابتکاری، وارد یک توافق نظامی-امنیتی با روس‌ها شد و در پی آن هر دو کشور یک ائتلاف نظامی با تقسیم وظایف معین و مشخص جهت مقابله با گروه‌های معارض و تروریستی در خاک سوریه تشکیل دادند. این ائتلاف طی‌های ماه‌های نخست موفق شد تغییرات چشمگیری را در عرصه معادلات نظامی - امنیتی سوریه ایجاد کند و به مرور زمان صحنه معادله را به نفع نظام حاکم تغییر دهد.

همکاری و شراکت ایران و روسیه در پرونده سوریه، منجر به تغییر موازنه نظامی-امنیتی به نفع دولت سوریه، مهار سیاست‌های غرب در خاورمیانه و در پی آن وقوع تغییرات مهمی در سطح منطقه غرب آسیا و روندهای بین‌المللی شد به گونه‌ای که می‌توان گفت این ائتلاف و شراکت راهبردی، نقش مهمی را در شکل دهی به نظم آینده منطقه‌ای در غرب آسیا ایفا خواهد کرد.

از همان آغاز شراکت راهبردی ایران و روسیه در سوریه، هر دو کشور اهداف متفاوتی را از ورود به صحنه عملیات نظامی در سوریه دنبال می‌کردند. جمهوری

اسلامی ایران از طریق حفظ بشار اسد در قدرت و ممانعت از سرنگونی نظام حاکم، به دنبال حفظ محور مقاومت و یا هویت مقاومتی نظام سوریه بود. از سوی دیگر، کشور روسیه از طریق حفظ دولت اسد و حفظ پایگاه سستی خود در منطقه غرب آسیا، به دنبال بازتعریف نقش جهانی خود در رقابت‌های ژئوپلیتیک با غرب بود.

جمهوری اسلامی ایران بیش از هر چیزی در شراکت راهبردی خود با روسیه به دنبال بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بین‌المللی روسیه و برخورداری از پشتیبانی این کشور در حملات هوایی علیه مواضع معارضین نظام اسد بود و از سوی دیگر روسیه نیز در تلاش بود از ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه میدانی و قدرت این کشور در شبکه‌سازی نیروهای بومی و محلی و بسیج کردن این نیروها بهره‌گیرد. البته طی این مدت هم ایران تلاش کرده است؛ نقش پیاده نظام روسیه را ایفا نکند و هم روسیه تلاش کرده است نقش نیروی هوایی ایران را بازی نکند؛ اما دو کشور از طریق تقسیم وظایف توانسته‌اند معادله نظامی را در پرتو این شراکت راهبردی خود به نفع نظام حاکم تغییر دهند. در واقع هر دو بازیگر در راستای یک ائتلاف مشترک راهبردی و به واسطه تقسیم وظیفه هوشمندانه در جبهه خود جنگیده‌اند.

در پی نتیجه بخش بودن شراکت ایران و روسیه در عرصه میدانی تحولات و کسب پیروزی‌های مهم و راهبردی در تقابل با گروه‌های تروریستی و آزادسازی حلب به عنوان دومین شهر بزرگ سوریه، روند جدیدی از همکاری‌ها میان ایران و روسیه در عرصه سیاسی آغاز شد و هر دو کشور در فرایند حل و فصل سیاسی تحولات سوریه اقدام به نقش‌آفرینی کردند. شکل‌گیری روند مذاکرات آستانه با محوریت ایران و روسیه و ترکیه و بدون مشارکت نمایندگان کشورهای عربی و غربی، اقدام دیگری بود که نشان می‌داد ائتلاف ایران و روسیه توانسته تا حد زیادی ابتکار عمل را از دست کشورهای غربی خارج کند.



با عنایت به نتیجه‌بخش بودن ائتلاف و شراکت راهبردی ایران و روسیه در کشور سوریه که منجر به تثبیت نظام حاکم در این کشور شده است، آینده تعاملات این دو کشور در سوریه پسا بحران، نقش بسزایی را بر مسیر روابط و مناسبات دو جانبه مسکو- تهران و همچنین عرصه‌های گسترده‌تری از تعاملات منطقه‌ای میان این دو بازیگر ایفاء خواهد کرد.

البته تجربه همکاری ایران و روسیه در سوریه نشان داد، دو کشور صرف نظر از محورهای مشترک همکاری و شراکت دو سویه، در برخی از حوزه‌ها و پرونده‌ها از جمله مدیریت رفتار اسرائیل در جغرافیای سوریه و فقدان یک نگاه مشترک در مقابله با حملات هوایی این رژیم و از سوی دیگر مناسبات خاص روسیه با غرب در برخی از حوزه‌ها و همچنین نقش‌دهی بیشتر به ترکیه در تحولات سوریه، دارای تعارضات و اختلاف سلیقه‌هایی نیز می‌باشند.

چشم‌انداز مناسبات دو کشور در پرونده سوریه به عوامل همگرایی و واگرایی در روابط آینده دو طرف در پرونده سوریه بستگی دارد که در نوشتار پیش رو ضمن بررسی اهداف و اولویت‌های دو کشور از ورود به بحران سوریه به واکاوی عوامل همگرایی و واگرایی در دوره پسا بحران و در نهایت سناریوهای احتمالی در ارتباط با آینده مناسبات دو کشور و اینکه ماهیت مناسبات به چه سمت و سویی پیش خواهد رفت، پرداخته می‌شود.

1. پیشینه تاریخی همکاری‌ها میان ایران و روسیه

ایران و روسیه تا پیش از بحران سوریه و آغاز شراکت راهبردی در این پرونده حساس منطقه‌ای، سابقه همکاری در بحران تاجیکستان و به طور گسترده‌تر در بحران افغانستان (طالبان) را در کارنامه خود داشتند. در واقع، چنین پرونده مشترکی برای همکاری‌های سیاسی، نظامی و امنیتی با اشغال افغانستان از سوی طالبان شکل گرفت. همچنین همکاری‌هایی در سطح محدود بین ایران و روسیه با حمله اول عراق به کویت و ورود آمریکا به صحنه درگیری وجود داشت، اما

همکاری دو کشور در افغانستان در سطح گسترده همکاری‌های نظامی در طراحی، پشتیبانی، لجستیکی و حمل و نقل برقرار بود. علاوه بر این، تفاهم نیسان در سال 1996 در جنوب لبنان نیز با مشارکت روسیه انجام شد.

اما همکاری و شراکت این دو کشور در بحران سوریه بنا به دلایل مختلف از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. در بحران تاجیکستان و به طور خاص افغانستان، همکاری و شراکت ایران و روسیه برای سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حساسیت برانگیز و نگران‌کننده نبود و مهم‌تر از آن، این همکاری‌ها منجر به تغییر معادلات منطقه‌ای و در نهایت ترسیم یک نظم منطقه‌ای جدید نشده است. سطح همکاری و شراکت جمهوری اسلامی ایران و روسیه در پرونده سوریه با توجه به تأثیراتی که این همکاری در عرصه روند تحولات داخلی این کشور و به تبع آن در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه داشت، اهمیت ویژه‌ای به این همکاری و استمرار آن در بلند مدت بخشید.

آنا بورشچوسکایا، کارشناس روابط روسیه و خاورمیانه در مؤسسه واشنگتن در مقاله‌ای با عنوان «ولادیمیر پوتین و محور شیعی» در نشریه «فارین پالیسی» معتقد است که وجود منافع و دشمنان مشترک، موجب شده ایران و روسیه به نحو بی‌سابقه‌ای در پرونده سوریه به یکدیگر نزدیک شوند. وی با مرور تاریخ روابط دو کشور اعتقاد دارد: «در تاریخ چند صد ساله روابط دو کشور، تهران و مسکو هرگز تا این حد همکاری نزدیک با یکدیگر نداشته‌اند. این از بخت بد آمریکاست که مسکو و تهران دریافته‌اند که منافع آنها در خاورمیانه از جمله در مخالفت با منافع ایالات متحده تا چه حد اشتراک دارد. افزایش تهدیدهای تروریستی، منافع اقتصادی، وجود بی‌ثباتی در افغانستان و همچنین امکان همکاری در آسیای مرکزی از جمله انگیزه‌های دو کشور برای تعمیق همکاری‌های دوجانبه به شمار می‌آیند. در این بین بحران سوریه، روابط دو کشور را به اوج رسانده است؛ زیرا مسکو حضور در سوریه را نشانه گسترش



دایره نفوذ خود می‌داند و تهران هم حمایت مسکو از نظام سوریه را به نفع خود تعبیر می‌کند. بر این اساس به‌رغم آنکه کرملین تلاش می‌کند در روابط خود با کشورهای خاورمیانه، توازن برقرار کند، اما در حال حاضر بیشتر به محور شیعی متمایل شده است. از این رو به نظر می‌رسد همکاری ایران و روسیه همچنان ادامه یابد. این در حالی است که حتی اگر این همکاری نزدیک چندان هم طولانی مدت نباشد، باز هم برای منافع آمریکا مضر است. در واقع یک اتحاد کوتاه مدت هم می‌تواند لطمه‌ای بلندمدت به منافع ایالات متحده وارد کند. ضمن آنکه همکاری‌ها و پیروزی‌های تاکتیکی می‌توانند موجب تقویت یک راهبرد مشترک میان تهران و مسکو شوند.» (سکایا، 2016)

2. اهداف و اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران از ورود به بحران سوریه

در پی شکل‌گیری بحران در سوریه و نفوذ تروریسم به این کشور و حمایت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی معاند محور مقاومت از فرایند استمرار بی‌ثباتی و ناامنی طی سال‌های پس از 2011، زمینه برای همگرایی و اتحاد ایران و سوریه در مقابله با بحران خارجی بیشتر شد؛ زیرا این بحران تهدیدی مشترک علیه امنیت هر دو کشور تلقی می‌شد و بر همین اساس، وجود تهدید مشترک علیه امنیت هر کشور، زمینه را برای اتحاد و همگرایی ایران و سوریه فراهم ساخت و هر دو در مسیر ایجاد موازنه‌ای در برابر این تهدیدات گام برداشتند.

جمهوری اسلامی ایران که در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه‌ای از نظام سوریه طی سال‌های پس از 2011 انجام داده، تحقق اهداف گوناگونی را در این حمایت مدنظر داشته و دارد:

✓ حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای؛ یکی از اولویت‌های ایران در سوریه از ابتدای انقلاب اسلامی و حتی طی سال‌های پس از بحران، حفظ توازن قدرت منطقه‌ای در برابر قدرت‌های رقیب و متخاصم محور مقاومت بوده است. از

ابتدای شروع بحران در سوریه، این کشور به میدان زورآزمایی قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شد و طرف‌های منطقه‌ای رقیب محور مقاومت با حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی در سوریه، به دنبال سرنگونی اسد بودند.

✓ مقابله با تروریسم نیابتی و جلوگیری از گسترش و نفوذ اندیشه تکفیری و گروه‌های تروریستی وابسته به آن، منشأ تروریسم نیابتی به دوران پس از شکست و ناکامی لشکرکشی‌های نظامی امریکا در عراق بازمی‌گردد و پس از آن دوران، این تروریسم بروز یافت. ویژگی بارز این تروریسم، سیال بودن آن است که این سیالیت موجب می‌شود رگه‌های آن از سوریه به کشورهای همسایه سرایت کند و جمهوری اسلامی ایران با ورود به سوریه در مسیر خشکاندن ریشه‌های این تروریسم گام برداشت. (کاظمی قمی، 1397)

✓ حفظ و بقای بشار اسد در قدرت و در نگاهی کلان‌تر حفظ سوریه در محور مقاومت، حفظ و بقای بشار اسد در قدرت و ممانعت از سرنگونی وی به معنای تثبیت حضور سوریه در محور مقاومت خواهد بود و در آینده نیز سوریه می‌تواند به عنوان بخش مهم و یا جبهه‌ای از محور مقاومت خود را تثبیت کند.

✓ حفظ و تداوم روند عمق بخشی استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و به سمت مدیترانه، یکی از نتایج و ثمرات به دست آمده از دل بحران سوریه برای محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران، صرف نظر از بقای بشار اسد و مهار تروریسم، گشوده شدن جبهه جولان از دل این بحران علیه امنیت اسرائیل است که نموده‌های آن را می‌توان در پرواز پهپادها و سقوط اف 16 اسرائیلی و بمباران ده پایگاه اسرائیلی در روز 9 می 2018 مشاهده کرد.

✓ حفظ عقبه استراتژیکی و لجستیکی حزب‌الله

✓ دفاع از شیعیان و مقدسات شیعه در سوریه



3. اهداف و اولویت‌های روسیه از ورود به بحران سوریه

در ابتدای تحولات سوریه در سال 2011، با وجود اینکه کشور سوریه از سستی‌ترین متحدان روسیه در منطقه و جزء حوزه نفوذ این کشور بود، اما روس‌ها در سال‌های اولیه بحران در قبال تحولات میدانی و پیشروی گروه‌های معارض تروریستی، اقدام تأثیرگذاری جز حمایت‌های لفظی، طرح الگوی روسی در سال 2011، به کارگیری ظرفیت‌های بین‌المللی در شورای امنیت، گشایش باب گفتگو میان دولت و معارضة و نهایتاً طرح پاک‌سازی سوریه از سلاح‌های شیمیایی در سال 2013 انجام ندادند؛ البته روسیه در آن دوران به شدت گرفتار مسائل مربوط به اوکراین بود و بخش اعظمی از اهتمام و تمرکز خود را بر روی این مسئله قرار داده بود.

اما در پی سیطره گروه‌های معارض تروریستی بر بیش از 75 درصد جغرافیای سوریه و با ابتکار عمل جمهوری اسلامی ایران، روس‌ها از سال 2015 وارد عرصه تحولات نظامی - امنیتی این کشور شده و تمامی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خود را در عرصه بین‌المللی و پوشش هوایی عملیات‌های نظامی و میدانی در جبهه‌های مختلف بر اساس الگوی تقسیم کار و وظیفه با ایران، به کار گرفتند.

در پی ورود روسیه به صحنه میدانی تحولات نظامی - امنیتی سوریه، گمانه‌زنی‌های مختلفی در خصوص چشم انداز نقش روس‌ها در آینده این کشور مطرح شد؛ مبنی بر اینکه روس‌ها با تغییر موازنه امنیتی تحولات سوریه به دنبال انجام یک معامله بزرگ با غرب بر سر پرونده اوکراین هستند اما روند تحولات و رفتارهای روسیه طی سال‌های پس از ورود به بحران سوریه نشان داد این کشور با توجه به منافع و اهداف ژئوپلیتیکی که در این پرونده مدنظر دارد، نه تنها به دنبال معامله با غرب نبوده بلکه تمامی ظرفیت‌های نظامی - امنیتی و بین‌المللی خود را برای حفظ و بقای این متحد سستی و دیرینه خود به کار گرفته است. اتخاذ چنین تصمیم و رویکردی از سوی روسیه برآمده از اهداف و منافع بلندمدت و راهبردی این کشور در سوریه می‌باشد که در حوزه‌های مختلف

نظامی - امنیتی، سیاسی، اقتصادی و... تعریف می‌شود.

✓ تلاش برای جلوگیری از تکرار سناریوی لیبی و عراق: بعد از فروپاشی شوروی، حکومت‌های همسو با روسیه با مداخله غرب از طریق ابزارهای نرم و یا سخت سرنگون شدند که دو نظام عراق و لیبی نمونه‌های بارز این مداخله هستند. از دیدگاه مسکو، مخالفت روسیه با مداخله نظامی غرب در سوریه از انجام دوباره سناریوی لیبی و سقوط آخرین پایگاه روسیه در خاورمیانه عربی جلوگیری می‌کند و به همین دلیل حفظ این کشور برای مسکو دارای ارزش استراتژیک و ژئوپلیتیک بود. در واقع، مخالفت روسیه ناشی از این مسئله بود که اگر نظام سوریه ساقط شود، موقعیت این کشور نه تنها در منطقه غرب آسیا تضعیف خواهد شد بلکه زمینه برای تضعیف دیگر جمهوری‌های حوزه سابق شوروی از طریق مداخله خارجی فراهم خواهد شد و از این رو، مداخله روسیه در سوریه هر گونه فرصت برای مداخله غرب در دیگر مناطق تحت نفوذ و متحدان روسیه را از بین خواهد برد. از طرف دیگر با توجه به اینکه عمده مخالفین بشار اسد، جریان‌ها و گروه‌های افراطی با نگرش ضدروسی بودند، چشم‌انداز آینده سوریه و منافع نظامی روسیه در این کشور برای مقامات مسکو تا حد زیادی مبهم بود و به همین خاطر روس‌ها این بار ریسک سوریه بدون اسد را نپذیرفته و با تمام قوا به حمایت و پشتیبانی از این نظام مبادرت ورزیدند. روس‌ها به این باور رسیدند که اگر نظام سیاسی این کشور تغییر کند و حکومت به‌دست افراط‌گرایان یا لیبرال‌های غرب‌گرا بیفتد، منافع روسیه در معرض خطر قرار خواهد گرفت. (برزگر، 1397)

✓ به نمایش گذاشتن ثبات قدم در حمایت از متحدین خود: روسیه با حمایت و پشتیبانی همه جانبه و فراگیر خود از نظام سوریه در نظر دارد یک تصویر مثبت از ثبات قدمی خود نسبت به دیگر متحدین خود و صف بندی‌های سیاسی روسیه در سطح جهانی، از جمله کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای مستقل مشترک



المنافع به نمایش بگذارد. در واقع این یک محک بزرگ برای سنجش اعتبار روسیه در حمایت از دوستان و متحدان خود است تا نشان دهد که از تن دادن به سقوط و سرنگونی متحدان توسط غرب امتناع خواهد کرد و حاضر است تمامی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خود را در حوزه‌های مختلف جهت حفظ متحدین سستی و دیرینه به کار گیرد. (المركز الإستشاری للدراسات والتوثيق، 2018)

✓ **دسترسی به آب‌های گرم مدیترانه:** پایگاه دریایی طرطوس واقع در مرزهای غربی سوریه زمینه را برای دسترسی روس‌ها به آب‌های گرم دریای مدیترانه و تقویت ناوگان خود در مجاورت این دریای راهبردی فراهم می‌سازد. بر همین اساس، روسیه به منظور حفظ جای پای خود در آب‌های شرقی دریای مدیترانه به دنبال حفظ نظام سوریه می‌باشد. حفظ پایگاه طرطوس این ذهنیت را برای روسیه و رقبای آن ایجاد می‌کند که روس‌ها دارای یک پایگاه دائمی در مجاورت دریای مدیترانه محل اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا هستند و همین مسئله بر اهمیت راهبردی حفظ این پایگاه در سایه استمرار و بقای نظام حاکم می‌افزاید؛ به‌خصوص با توجه به اینکه بندر طرطوس از موقعیت راهبردی فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند عملیات نظامی روسیه در غرب آسیا، شمال آفریقا و حتی اروپا را هدایت کند. علاوه بر این دریای مدیترانه می‌تواند معبر مهمی برای انتقال انرژی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به اروپا محسوب شود. به همین دلیل با توجه به آنکه مسکو تلاش دارد همچنان خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان انرژی به اروپا حفظ کند، برای حضور در مدیترانه برنامه‌های درازمدتی دارد. (رند، 2017)

✓ **مهار تروریسم و افراط‌گرایی در سوریه:** یکی از مهم‌ترین عوامل حضور نظامی-امنیتی روسیه در پرونده سوریه، تلاش برای تأمین منافع ژئوپلیتیکی در منطقه بوده است؛ این منافع در ابعاد مختلفی قابل تقسیم‌بندی و تعریف می‌باشد که یک از ابعاد آن مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بوده که روسیه سعی دارد در پرتو مهار و

کنترل این پدیده، منافع ژئوپلیتیک خود را در سطح منطقه تضمین نماید.

احساس خطر از جانب تروریسم تنها از بُعد نظامی و امنیتی فوری مدنظر نیست، بلکه از جنبه تمدنی نیز موضع ضد روسی تکفیری‌ها برای هر این کشور چالش‌آفرین است و روس‌ها تثبیت منافع ژئوپلیتیک خود را در مهار و کنترل این چالش می‌دانند. در نگاه مقامات روس، تهدیدات جریان‌های تندرو و افراطی در داخل مرزهای روسیه و همچنین در جمهوری‌های سابق شوروی، از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی این کشور در آینده خواهد بود که باید به هر شیوه‌ای با آنها مقابله کرد. (برزگر، 1397)

در این بین آنچه روسیه را نگران می‌کند، حضور 5000 تا 7000 نفر از ساکنین مناطق قفقاز و آسیای میانه در میان تروریست‌ها است (الجزیره، 2016) که باید پیش از بازگشت آنها به مناطق اولیه خود در جغرافیای سوریه از بین بروند و این امر در سایه حفظ نظام حاکم در این کشور محقق خواهد شد چرا که با سرنگونی اسد، هرج و مرج جدی از سوی گروه‌های تندرو و شخصیت‌های افراطی روسی تبار برای نواحی تحت نفوذ روسیه در قفقاز شمالی به وجود خواهد آمد؛ به خصوص با توجه به اینکه اکثر افرادی که از روسیه به صفوف داعش و سایر گروه‌های تروریستی پیوسته‌اند، از اهالی منطقه قفقاز شمالی و اقوامی نظیر چچن، اینگوش، داغستان و... هستند که داعیه‌دار جدایی از روسیه و تشکیل امارت اسلامی قفقاز می‌باشند. از این رو، مقامات بلندپایه روسی به منظور پیشگیری و دفع تهدیدات امنیتی برخاسته از بازگشت جریان‌های افراطی و تندرو به حوزه امنیتی خود در قفقاز شمالی، با حضور مستقیم نظامی در کشور سوریه در مسیر نابودی این جریان‌ها و عناصر منتسب به آن گام برداشت؛ در واقع مهار جریان‌های تروریستی و افراطی در سوریه برای روسیه بسیار کم‌هزینه‌تر از مبارزه با آنها در مناطق مجاور خود بود.

✓ رقابت ژئوپلیتیک با غرب: یکی دیگر از اهداف و اولویت‌های روسیه از



ورود به صحنه عملیات نظامی - امنیتی در سوریه، تلاش برای حفظ منافع ژئوپلیتیکی این کشور در رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با غرب بوده که روسیه در پرتو حفظ نظام حاکم در سوریه به دنبال افزایش نقش و وزن خود در این دو عرصه می‌باشد. در واقع، روسیه با ورود پر قدرت خود به عرصه تحولات میدانی سوریه، این پیام را به غربی‌ها رساند که این کشور در موضوعات ژئوپلیتیک و پُر شدن خلا قدرت به ضرر خود بسیار جدی عمل می‌کند و نسبت به محیط پیرامون خود به مثابه خط‌قرمز می‌نگرد و فضای نفوذ به بازیگران رقیب و دشمن را نمی‌دهد و چنین هدفی را در چارچوب استراتژیکی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی، روابط جهانی و رقابت با آمریکا حفظ خواهد کرد.

✓ **مهار آمریکا در سوریه:** در نگاه سران و رهبران بلند پایه روسیه از جمله شخص پوتین، ایالات متحده آمریکا به عنوان رقیب استراتژیک روسیه و دگر این کشور در پرونده سوریه قلمداد می‌شود؛ لذا می‌بایست در مسیر مهار این کشور و طرح‌ها و برنامه‌های آن که در تضاد با منافع و راهبردهای روسیه در سطح منطقه‌ای و به طور خاص در پرونده سوریه قرار دارد، گام برداشت. روس‌ها با حضور در سوریه به دنبال مقابله و مهار طرح آمریکا در این کشور که بر پایه مدیریت بی ثباتی و ناامنی قرار داشت، بودند و در نهایت موفق شدند با تغییر معادله نظامی - امنیتی به نفع نظام حاکم و شکست گروه‌های تروریستی، این طرح را خشی ساخته و از سرایت آن به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و در نهایت روسیه جلوگیری کنند. (الجزیره، 2016)

4. عوامل همگرایی در مناسبات آینده ایران و روسیه در سوریه

4-1. حفظ منافع ژئوپلیتیکی

یکی از مهم ترین عوامل همکاری و شراکت راهبردی ایران و روسیه در پرونده سوریه، تلاش برای تأمین منافع ژئوپلیتیکی در منطقه بوده است؛ این منافع در ابعاد مختلفی قابل تقسیم‌بندی و تعریف می‌باشد که یک از ابعاد آن حفظ منافع

ژئوپلیتیکی دو کشور و تلاش برای افزایش وزن منطقه‌ای در سایه حفظ نظام حاکم و حفظ موقعیت و جایگاه سستی خود در سوریه و منطقه بوده است. روس‌ها تا قبل از این تاریخ در سوریه پایگاه داشته و در زمان رژیم بعثی در عراق نیز حضور داشتند؛ اما ساختار عراق بعد از بحران سال 2003 دچار تغییراتی شد و روس‌ها از این کشور خارج شدند، در حالی که جایگاه خود را در سوریه با هدف «تسلط بر منطقه مدیترانه و دریای سیاه» که ناوگان اصلی روسیه در آنجا قرار دارد، حفظ کرده بودند. بحران سوریه این تصور را در میان غربی‌ها ایجاد کرد که امکان خارج کردن این پایگاه از دستان روسیه همانند آنچه که در عراق و لیبی رخ داد، وجود دارد. غربی‌ها به این مسئله واقف بودند که روس‌ها در بلند مدت به دنبال آن هستند که از لحاظ استراتژیکی دامنه تنش را از دریای سیاه به جنوب مدیترانه و حوزه ناتو منتقل کنند اما با واکنش سخت روس‌ها مواجه شدند. واکنش روسیه حاوی این پیام برای غربی‌ها بود که این کشور در موضوعات ژئوپلیتیک و پُر شدن خلأ قدرت به ضرر خود بسیار جدی عمل می‌کند. این امر نشان داد که روس‌ها به محیط پیرامون خود به مثابه خط‌قرمز می‌نگرند و فضای نفوذ به بازیگران رقیب و دشمن را نمی‌دهند و چنین هدفی را در چارچوب استراتژیکی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی، روابط جهانی و رقابت با آمریکا حفظ خواهند کرد. بر همین اساس، استمرار و تضمین منافع ژئوپلیتیکی خود را در راستای تقارب و همگرایی با جمهوری اسلامی ایران و بهره‌مندی از ظرفیت‌های این کشور در پرونده سوریه دیدند. در واقع، روس‌ها به ارزش استراتژیک پویایی نقش ایران در سطح منطقه‌ای در تقابل با محور امریکایی پی بردند و به این نتیجه رسیدند که «ایران» بهترین بازیگر برای اجرای سیاست جلوگیری از نفوذ قدرت‌های رقیب و دشمن به‌ویژه آمریکا در حوزه نفوذ روسیه است.

جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای، به طور سستی در لبنان بازی عمیقی از خود نشان داد و به واسطه حزب‌الله، نفوذ خود را در این



کشور عمق بخشید. در عراق نیز پس از سرنگونی رژیم بعثی و نفوذ در ساختار جدید این کشور، روابط خود را از طریق ارتباط بین نخبگی، تجارت، حوزه نظامی امنیتی و سایر امور عمق بخشی کرد و در سوریه نیز روابط سنتی خود را با نظام حاکم حفظ کرده بود. اما شروع بحران در سوریه و سیطره گروه های تروریستی بر بیش از 70 درصد جغرافیایی این کشور، باعث تصور احتمال خلاء قدرت میان لبنان و عراق شد چرا که شرایط آن مقطع بحران سوریه می توانست تمام جایگاه منطقه ای ایران را از لحاظ ژئوپلیتیکی به چالش بکشد. بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر ظرفیت و پتانسیل یک بازیگر بین المللی همچون روسیه، در مسیر حفظ منافع ژئوپلیتیک خود در منطقه گام برداشت؛ چرا که ایران برای تثبیت قدرت خود در منطقه در راستای ایجاد توازن در برابر محور آمریکایی به یک نیروی موازنه گر بین المللی نیاز دارد و در همین راستا، ظرفیت های بین المللی روسیه بستر مساعدی را برای ایجاد موازنه نظامی - امنیتی در مقابله با محور امریکا فراهم ساخت.

روسیه در عرصه بین المللی از ظرفیت ها و پتانسیل هایی برخوردار است که می تواند بازی این کشور را در منطقه با وضعیت ویژه آن تقویت کند و این ظرفیت ها در بزنگاه ها برای جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت کارکرد مثبت و ویژه ای داشته است. کارت های بین المللی روسیه عبارتند از:

1. حضور روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ جمهوری اسلامی ایران برای رهایی از ایجاد چالش های حقوقی برای خود در برخی از مسائل و موضوعات منطقه ای به حق وتوی روسیه برای تعدیل این وضعیت نیاز دارد. عدم مشارکت روسیه در بحران سوریه به نوعی تصویب چندین قطعنامه علیه ایران و محور مقاومت را در شورای امنیت سازمان ملل در برداشت.

2. ارتباطات روسیه با طرف های مقابل ایران؛ روسیه با عربستان سعودی، اسرائیل، آمریکا و کشورهای اروپایی در ارتباط است و برقراری گفت و گوهایی



راهبردی در سطح جهانی میان روسیه با این بازیگران اجازه بازیگری عمده را به آنها می‌دهد. فرصت‌های روسیه تا حد زیادی با نیازمندی‌های ایران در مسائل منطقه‌ای مطابقت می‌یابد و روس‌ها نیز می‌توانند از برگه‌های ایران در منطقه بهره گیرند. نیاز متقابل ایران و روسیه در پرونده سوریه مشابه وضعیت روابط ایران و روسیه در پرونده افغانستان است. حضور روسیه در شورای امنیت و ارتباط با بازیگران رقیب و مقابل ایران در صحنه منطقه‌ای و جهانی دو برگه عمده بین‌المللی روسیه محسوب می‌شود.

بر همین اساس، بحران سوریه نقطه اتصالی برای فهم بهتر ایران و روسیه از پویایی نقش و ظرفیت یکدیگر بود و هر دو طرف از بُعد نظامی و امنیتی همدیگر را کشف کرده و دریافتند که در یک نقطه در سطح استراتژی کلان خواسته مشترک و متقاطع دارند. به عبارت دیگر، ترکیب روابط یک بازیگر ایدئولوژیک با ویژگی‌های خاص خود و دیگری، بازیگری سکولار و غیرایدئولوژیک با تکیه بر قدرت نظامی سنتی باعث دستیابی به این نتیجه شد که دو کشور به یکدیگر نیاز متقابل دارند. (برزگر، 1397)

روسیه به منظور ایجاد و حفظ توازن در منطقه در تقابل با محور امریکایی و بازیگران هم‌پیمان غرب در منطقه، نیازمند ائتلاف و شراکت با یک بازیگر منطقه‌ای ذی نفوذ همچون جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و طبیعتاً به منظور استمرار و حفظ این موازنه به شراکت خود با جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد داد.

2-4. قدرت نرم‌افزاری و شبکه‌سازی جمهوری اسلامی ایران و قدرت سخت روسیه

مؤلفه اصلی قدرت روسیه در سوریه پس از ورود به بحران نظامی از سال 2015، در حوزه سخت‌افزاری و به طور خاص در عرصه هوایی تعریف می‌شود و این مؤلفه نقش بسزایی در تحقق پیشروی‌های میدانی طی سال‌های گذشته ایفا کرد. در سمت دیگر، جمهوری اسلامی ایران در عرصه میدانی عملکرد ویژه‌ای در





شبکه سازی نیروهای محلی و بومی از خود نشان داد و ثابت کرد توانایی آن را دارد که قدرت نرم خود را با «شبکه سازی در میدان» عملیاتی سازد.

«شبکه سازی محلی» از اهمیت بسزایی در نزد روس ها در دوره بحران برخوردار بود و در دوران پسا بحران نیز، این مؤلفه نقش بسزایی در انجام اقدامات و فعالیت های نرم افزاری ایفاء خواهد کرد. طی دوره بحران، روس ها هر چند دارای پیشرفته ترین تجهیزات نظامی و هوایی و همچنین حق و تو در سطح جهانی بودند، اما همه این موارد بدون در اختیار داشتن میدان نبرد برای آنها غیرممکن بود. از نگاه روسیه، «تسلط بر زمین یا میدان» نقش مهمی در برتری یک کشور در معادلات سیاسی دارد.

مطمئناً با پایان یافتن بحران در سوریه، طرف های منطقه ای و بین المللی دخیل در بحران، تلاش می کنند که دولت آینده سوریه فراگیر باشد و برخی از گروه های مخالف میانه روتر در حکومت شریک باشند و این امر نیاز به تداوم «ائتلاف سازی» دارد. از آنجایی که ماهیت قدرت و ساختار سیاسی سوریه و عراق متفاوت است. نمی توان گفت که مشابه نقش ایران در ائتلاف شیعیان در قدرت با کردها و اهل سنت عراق در سوریه هم عملی خواهد شد، اما شرایط پسا بحران در سوریه نیاز به نقش ایران در تداوم شبکه سازی به نفع حکومت این کشور دارد. روس ها از محدودیت های خود در موقعیت پسا بحران آگاه هستند؛ آنها شباهتی با مردم منطقه نداشته و در بین شبکه نخبگان محلی هم نفوذ ندارند و پایان بحران سوریه نیز از جنبه قدرت سخت افزاری آنها می کاهد. روسیه در حوزه اهل سنت سوریه بازی محدودی داشته یا اصلاً نقشی نداشته است. از طرف دیگر اهل سنت متمایل به همکاری با روسیه در زمره اهل سنت معتدلی هستند که با ایران در ارتباط بوده و تأثیرپذیری بیشتری از آن دارند؛ از این رو، روسیه در مدیریت و کنترل این مسئله، نیازمند بازیگری و قدرت نرم افزاری ایران خواهد بود. بر همین اساس، اتصال با قدرت نرم افزاری، یاری گر روس ها در این میدان

است و تنها جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در این زمینه ایفای نقش کند. شبکه‌سازی روی نیروهای محلی یکی از شاهکارهای سیاست و استراتژی ایران در سوریه است که می‌بایست در مسیر تقویت و تحکیم آن گام برداشت.

با در نظر گرفتن مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در پرونده سوریه و شاخصه‌های قدرت سخت روسیه در این کشور، شاید بتوان تجربه همکاری روسیه و ایران در پرونده سوریه را الگوی جدیدی از قدرت هوشمند (ترکیب قدرت سخت و نرم) در سطح فرادولتی ارزیابی کرد که به نوبه خود الگوی جدیدی از نظم نوین جهانی را در مقابل رویکرد تک قطبی امریکا به نمایش می‌گذارد.

3-4. حفظ و بقای نظام بشار اسد

حفظ حاکمیت کنونی سوریه به رهبری بشار اسد به معنای استمرار شراکت و همکاری ایران و روسیه در بلند مدت خواهد بود؛ لذا هر گونه تلاش برای ثبات حاکمیت کنونی سوریه می‌تواند عاملی برای تثبیت این شراکت در بلندمدت باشد. اگر حاکمیت بشار اسد به مشروعیت بین‌المللی دست یابد و آمریکا، اروپا و سایر بازیگران جهانی آن را تأیید کنند، به تأمین منافع ایران و روسیه و در نهایت استمرار شراکت دو طرف می‌انجامد. در واقع لازمه ایجاد و یا حتی استمرار شراکت دو طرف، بقای نظام بشار اسد می‌باشد و حفظ و تثبیت بشار اسد به معنای تثبیت روسیه، ایران و حزب‌الله است. البته هر چند اهداف نهایی ایران و روسیه در سوریه متفاوت است اما حفظ نظام بشار اسد دو کشور را در هدف نهایی به یکدیگر نزدیک می‌کند، زیرا در سایه حفظ نظام کنونی از یک سو پیوستگی جغرافیایی ایران با محور مقاومت حفظ خواهد شد و از سوی دیگر، روسیه نیز با روی کارآمدن جریان‌های افراطی و تندرو و یا گروه‌های لیبرال غرب گرا جایگاهی در آینده سوریه نخواهد داشت. بنابراین به‌رغم آنکه هدف نهایی ایران و روسیه در دفاع از نظام سیاسی سوریه متفاوت است، اما آنچه هر



دو کشور را به هدف نهایی می‌رساند، ممانعت از تغییر نظام سیاسی سوریه است. تصور اینکه روسیه با هر جریان لیبرال، کمونیستی یا اسلامی در سوریه می‌تواند پایگاه خود را در آینده حفظ کند، نادرست می‌باشد. (شیبانی، 1397)

4-4. بقای تروریسم و خطر شکل‌گیری مجدد هسته‌های آن

نگاهی به روابط ایران با نظام سوریه در طول تاریخ نشان می‌دهد که این روابط بر مبنای فرصت‌ها و تهدیدات مشترک شکل گرفته است. دو کشور در سایه فرصت‌ها و تهدیدات مشترک در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. همین مسئله در آینده روابط و مناسبات ایران و روسیه نیز تأثیرگذار خواهد بود و تهدیدات مشترک می‌تواند بستر مساعدی را برای تضمین روابط بلند مدت ایران با روس‌ها در سوریه فراهم کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل همکاری و شراکت راهبردی ایران و روسیه در پرونده سوریه، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بوده که هر دو کشور در پرتو مهار و کنترل این پدیده، منافع ژئوپلیتیک خود را در سطح منطقه تضمین نموده‌اند. احساس خطر از جانب تروریسم تنها از بُعد نظامی و امنیتی فوری مدنظر نیست، بلکه از جنبه تمدنی نیز موضع ضد ایرانی و ضد روسی تکفیری‌ها برای هر دو کشور چالش‌آفرین است و هر دو طرف تثبیت منافع ژئوپلیتیک خود را در مهار و کنترل این چالش می‌دانند.

از سوی دیگر، رویکرد ایران به اسلام که بر پایه مقابله و تضاد با تفکر افراطی قرار دارد، برای روسیه که تهدیدهای زیادی از ناحیه افراط‌گرایی و تروریسم احساس می‌کند، یک نقطه اتکا در خاور نزدیک به شمار می‌آید. موضع ضد روسی تکفیری‌ها نه تنها در عرصه نظامی-امنیتی برای روس‌ها چالش‌آفرین خواهد بود بلکه از لحاظ تمدنی نیز برای این کشور تهدید خواهد بود و روسیه تثبیت منافع ژئوپلیتیک خود را در مهار و کنترل این چالش می‌داند.



از این رو، ایران و روسیه می‌توانند بر پایه تهدیدات مشترک به روابط خود در حوزه امنیتی - بیش از حوزه نظامی - در منطقه و سوریه ادامه دهند. وجود هسته‌های داغ تروریسم ضرورت و بهانه‌ای برای حضور نظامی ایران در بلند مدت خواهد بود و باید در این زمینه به ارائه و تدوین طرح، برنامه و استراتژی روی آورد. روس‌ها به طور قطع تا زمان باز بودن پرونده سوریه از جنبه امنیتی و نظامی با ایران همگرا بوده و از توان بازیگری ایران استفاده خواهند کرد.

در واقع تا زمانی که مراکز ثقل گروه‌های تروریستی خارجی در مناطق شمالی و شرقی سوریه وجود دارند، ضرورت بقای نیروهای ایران و استفاده از ظرفیت جمهوری اسلامی در مهار تروریسم در نزد روس‌ها وجود دارد؛ روس‌ها به این مسئله واقف هستند که خروج ایران در سایه حضور گروه‌های تروریستی و هسته‌های پنهان این گروه‌ها در جای جای سوریه، وضعیت را در آینده وخیم‌تر خواهد کرد. مطالبه حضور نظامی ایران در سوریه و استمرار آن در نزد روس‌ها وجود دارد چرا که آنها به قدرت شبکه سازی جمهوری اسلامی در مهار این گروه‌ها و هسته‌ها باور دارند.

برنامه‌ریزی برای حضور نظامی ایران، باید با توجه به شرایط موجود مانند رشد خاموش و پنهان تروریسم و شکل‌گیری مجدد هسته‌های آن باشد. نامشخص بودن وضعیت ادلب نیز زمینه را برای تداوم حضور نظامی ایران در سوریه فراهم می‌کند و نظام سوریه نیز خواستار تداوم حضور نظامی ایران است. (آزاد، 1397)

5-4. مهار آمریکا در سوریه

در نگاه سران و رهبران بلند پایه روسیه از جمله شخص پوتین، ایالات متحده آمریکا به عنوان رقیب استراتژیک روسیه تلقی می‌شود و نزدیکی به آمریکا در نگاه رهبران کنونی روس تقویت نشده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به آمریکا به عنوان یک دشمن استراتژیک و راهبردی می‌نگرد و بر همین اساس، هر





دو کشور دارای یک «تضادِ استراتژیک» با آمریکا هستند. مقام معظم رهبری در سفر اخیر پوتین به ایران نیز استراتژی «مهار آمریکا» را مطرح کردند و این مسئله به نوبه خود بیانگر فصل مشترک ایران و روسیه در مخالفت با حضور و نفوذ آمریکا در سوریه و به طور کلی در منطقه می‌باشد.

در پرونده سوریه و حتی در سطح منطقه ای، آمریکا در بلند مدت همچنان به‌عنوان «دگر» روسیه باقی خواهد ماند. در سمت مقابل، ساخت سیاسی و نظامی آمریکا، یک ساخت کاملاً ضد روسی می‌باشد و سطوح مختلف حاکمیتی آمریکا به شدت رویکرد ضدروسی دارند و همین مسئله امکان هر گونه تقارب و همگرایی میان دو طرف را در برخی از پرونده‌ها از جمله پرونده سوریه به شدت کاهش می‌دهد. استقرار آمریکا در شرق فرات و تلاش‌های این کشور در راستای تشکیل یک شبه دولت در این منطقه با ایجاد زیرساخت‌های نظامی و امنیتی، در تعارض با منافع مشترک ایران و روسیه قرار دارد و هر دو بازیگر را در نقطه مقابل آمریکا قرار می‌دهد.

از طرف دیگر، نگاه روسیه به ایران در سوریه در وضعیت کنونی بسیار متفاوت‌تر از دو سال گذشته است؛ روس‌ها در ابتدای کار شناخت درستی از نقش و ظرفیت ایران و میزان نیاز خود به این کشور نداشتند اما در شرایط کنونی میزان اعتماد روس‌ها به جمهوری اسلامی ایران در مسائل مختلف به خصوص پرونده‌هایی که ماهیت ضدآمریکایی دارند، افزایش یافته است و همین امر در بلندمدت نیز استمرار خواهد یافت.

البته این احتمال وجود دارد که آمریکایی‌ها چالش‌های زیادی را در مقوله بازسازی پیش روی روسیه قرار دهند، اما بعید است که روس‌ها به این خواسته‌ها تن بدهند. این موضوع در تفکر روسی نمی‌گنجد که کشوری دیگر مانند ایران را تحت فشار قرار دهند که از سوریه خارج شود. (برزگر، 1397)

6-4. نفوذ و قدرت منطقه‌ای محور مقاومت

جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب به عنوان بازیگری مستقل وارد عرصه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی شد و در مسیر افزایش قدرت، نقش و نفوذ خود در این دو عرصه گام برداشت. در وهله اول، ایران سعی نمود در پرتو وقوع بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با حضور مناسب خود به مدیریت بحران‌ها بپردازد و بر همین اساس سیاست خود را در راستای کاهش آسیب‌های ناشی از بحران تعریف نمود اما این روند در مراحل بعد تکمیل شد و به تبدیل تهدیدات موجود به فرصت منجر گشت. در واقع جمهوری اسلامی ایران به این سطح از قدرت منطقه‌ای رسید که بتواند بحران‌ها را به گونه‌ای مدیریت کند که تهدیدهای موجود به فرصت تبدیل شوند. سطح و میزان قدرت منطقه‌ای ایران در مدیریت بحران‌های مصنوعی به حدی رسید که بسیاری از مقامات کشورهای غربی از جمله مقامات آمریکایی ناگزیر بدان اذعان کردند. در این بین روس‌ها که به خوبی تحولات خاورمیانه را رصد می‌کنند، ابتدا گمان می‌کردند آمریکایی‌ها با به راه‌انداختن انقلاب‌های مصنوعی و مدیریت هرج و مرج ناشی از قیام‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا، مهم‌ترین برنده تحولات این منطقه هستند. با این حال فروکش کردن تب انقلاب‌ها و قیام‌های مردمی، نشان داد که آمریکا نه تنها برنده این تحولات نیست، بلکه در بسیاری از حوزه‌ها با مشکلات عمیقی نیز مواجه شده است. در این بین آنچه بیش از همه بیانگر شکست آمریکا شد، نمایان شدن قدرت منطقه‌ای ایران و میزان نفوذ و تأثیرگذاری جبهه مقاومت در سطح منطقه بود.

تحولات سوریه، عراق و یمن به روس‌ها نشان داد که راز و رمز موفقیت ایران در سطح منطقه، جبهه‌ای است که از مرزهای ایران تا دریای مدیترانه و خلیج عدن ادامه دارد. علاوه بر این قدرت جبهه مقاومت در برابر گروه‌های تروریستی و کشورهای عربی و غربی، نقش مهمی در تحریک روس‌ها داشت. در واقع روس‌ها این واقعیت را درک کردند که حضور در خاورمیانه در



جغرافیای کشورهای سنی که همگی متحد آمریکا هستند، ناممکن است. از این رو مسکو تلاش کرد از قدرت، نفوذ و تأثیرگذاری جبهه مقاومت در راستای حضور در جغرافیای منطقه یاری گیرد. در واقع بحران سوریه و عراق، قدرت نظامی و میزان نفوذ ایران در منطقه را برای همه آشکار کرد. پس از آن تحولات یمن و ناکامی ائتلاف سعودی با حمایت همه جانبه در تجاوز نظامی به این کشور نشان داد که قدرت ایران صرفاً در حمایت نظامی از دولت‌های منطقه نیست، بلکه ایران به نفوذی در میان ملت‌های منطقه دست یافته که توان تأثیرگذاری و تغییر شرایط موجود را دارد. به این ترتیب عیان شدن قدرت منطقه‌ای و بازیگری جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه موجب توجه بیشتر روس‌ها به ایران شد و این اهتمام در بلندمدت نیز استمرار خواهد داشت. (بهمن، 1396: 54)

روس‌ها با آگاهی از برگه‌های محدود خود در راستای تأمین منافع، سعی در ایجاد روابط متوازن و همزیستی بین ایران و سایر اعضای منطقه دارند. در واقع روس‌ها به دلیل در اختیار نداشتن برگه‌های مستقل، ملزم به بازی با برگه‌های دیگر بازیگران هستند. ایالات متحده آمریکا بازیگرانی مانند اسرائیل، عربستان و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس، کشورهای اروپایی و بخش‌های زیادی از آفریقا را در اختیار دارد، اما برگه‌های بازی روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق از بین رفته و این کشور برگه بازی جدیدی در اختیار ندارد. از اینرو، روسیه با برخی از بازیگران روابطی بر اساس «احساس نیاز» شکل می‌دهد و نقش ابتکار عمل ایران، تشخیص به‌هنگام نیاز روس‌ها و تبیین آن برای طرف روسی در بحران سوریه فرصتی مغتنم در اختیار این کشور قرار داد.

در شرایط کنونی نیز تنها دو اردوگاه یا بلوک در منطقه وجود دارد؛ یک اردوگاه منتسب به آمریکا بوده که منافع آن را غرب، اسرائیل و ارتجاع عرب تأمین می‌کند و اردوگاه دوم منتسب به تفکر محور مقاومت می‌باشد. از این رو، روسیه ناچار خواهد بود در آینده در اردوگاه محور مقاومت بازی کند؛ حتی اگر

اقدامی عملی در این محور انجام ندهد.

7-4. شکل‌گیری و استمرار ائتلاف 4+1

یکی از نتایج و برون‌دادهای آغاز شراکت راهبردی میان ایران و روسیه شکل‌گیری ائتلاف 4+1 با هدف مقابله با پدیده تروریسم و در نهایت مقابله با طرح‌های امریکا بود. این ائتلاف که با مشارکت 5 عضو شامل 4 کشور و 1 بازیگر غیر دولتی شامل روسیه، ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله تشکیل شده، یک اقدام ابتکاری در مسیر تقابل با برنامه‌ها و طرح‌های اردوگاه امریکا در منطقه می‌باشد و با نفوذ این کشور در حوزه‌های مختلف مقابله می‌کند. (امین، 2015)

بر همین اساس، ائتلاف جمهوری اسلامی ایران و روسیه در جغرافیای سوریه نه تنها دستاوردهای برجسته‌ای را در عرصه نظامی و امنیتی تحولات سوریه کسب کرد بلکه نشان داد این ائتلاف قادر به گسترش و تشکیل ائتلاف‌های گسترده‌تر در سطح منطقه‌ای با حضور واحدهای سیاسی و بازیگران غیردولتی می‌باشد و همین مسئله در بلندمدت ضربه سختی به سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و متحدان آن در خاورمیانه وارد خواهد کرد. در واقع به‌رغم آنکه در آغاز، واکنش اکثر کشورهای غربی و عربی نسبت به همکاری‌های ایران و روسیه منفی بود، اما پس از پیروزی‌هایی که ائتلاف 4+1 در مبارزه با تروریسم به‌دست آورد، کشورهای غربی ناگزیر شدند از مواضع پیشین خود در قبال دولت سوریه و بشار اسد عقب‌نشینی کنند.

5. عوامل واگرایی در مناسبات آینده ایران و روسیه در سوریه

1-5. امنیت رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی، عامل عمده واگرایی میان ایران و روسیه در مناسبات آینده دو کشور و نقطه اصلی تقابل ایران با منافع روس‌ها در جغرافیای سوریه خواهد بود. روسیه از ابتدای ورود به بحران سوریه سعی کرد در رفتار خود با ایران و



اسرائیل به طور همزمان نوعی تعادل و توازن ایجاد کند؛ در واقع به دنبال راهی برای معامله با دو بازیگر بوده و هست که به هیچ یک آسیبی نرسد و به طور همزمان از بروز تنش میان دو طرف ممانعت به عمل آورد. روس‌ها از یک طرف خواهان حفظ همکاری و شراکت خود با جمهوری اسلامی ایران در سطح مطلوب می‌باشند و از طرف دیگر با هر گونه عامل تنش آمیز که منجر به بروز اختلاف در مناسبات خود با اسرائیل شود، مقابله می‌کنند؛ چرا که تأمین امنیت اسرائیل یکی از اصول سیاست خارجی روسیه بوده و حتی روس‌ها قبل از آمریکا اقدام به شناسایی اسرائیل به عنوان یک هویت کردند؛ اسرائیلی‌ها به صورت سنتی در روسیه نفوذ دارند و دوسوم از جمعیت اسرائیل نیز، روس تبار و شرقی هستند. بر همین اساس، هماهنگی‌های مستمر روسیه با صهیونیست‌ها در مسائل مختلف و چشم‌پوشی آنها در قبال هر گونه حمله هوایی اسرائیل به مواضع ثابت و متحرک محور مقاومت در سوریه در این راستا تعریف می‌شود. البته روس‌ها همزمان تلاش کردند تا با مدیریت رفتار اسرائیل به وضعیت ایران آسیب کمتری وارد شود و در پی سرنگونی جنگنده روسی نیز، محدودیت‌هایی برای اسرائیل پدید آمده است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران در آینده با روسیه در موضوع رژیم صهیونیستی دچار چالش خواهد شد.

2-5. چالش درون ساختاری در ایران

یکی از عوامل واگرا در استمرار و تقویت بلندمدت مناسبات جمهوری اسلامی ایران و روسیه، چالش درون ساختاری ایران و عدم هماهنگی و هم افزایی و تقارب گفتمانی و فکری میان نهادهای مختلف جمهوری اسلامی و احزاب حاکمیتی در کشور می‌باشد. در واقع گفتمان واحدی میان نهادهای مختلف در تقویت و توسعه همکاری‌ها با روسیه در ابعاد و زمینه‌های مختلف وجود ندارد و این مسئله تا حد زیادی به عدم شناخت کافی دو طرف از یکدیگر در سطح روشنفکری، مطالعاتی و پژوهشگری و همچنین تأثیر نگاه منفی تاریخی به

تجربیات بین‌المللی روس‌ها و پیش‌زمینه شکست از روسیه باز می‌گردد؛ در واقع نگاه ایران و روسیه به یکدیگر از لحاظ تاریخی مبتنی بر واقعیات روز نیست و حوزه سیاسی، روشنفکری و آکادمیک در ایران نگاهی از سر احتیاط و حتی تدافعی به روسیه و به عبارت دیگر روسوفوبیایی دارد. (الجزیره، 2017)

انباشت برخی سازه‌ها در طول تاریخ در نتیجه شکست ایران از روسیه، نوع روابط بین‌المللی روسی، پیچیدگی روس‌ها در دوران جنگ سرد، استفاده ابزاری این کشور از احزاب سیاسی ایران مانند حزب توده و فشار نظامی روس‌ها بعد از جنگ جهانی دوم چنین نگاهی را در بخشی از فضای روشنفکری ایران نهادینه کرده است.

فهم کنونی از عمق استراتژیک و توسعه روابط دو کشور و پیشبرد آن به سمت راهبردی شدن، تنها در لایه رهبری و سران نظامی - امنیتی میان ایران و روسیه وجود دارد و هنوز نتوانسته است فراتر از این فضا خود را نشان دهد. علاوه بر این، روابط دو کشور به طور سستی در حوزه فروش تسلیحات از سوی روسیه و همکاری هسته‌ای در حوزه نخبگان نظامی و امنیتی جریان داشته و در پرونده سوریه نیز این مناسبات با یک ماهیت نظامی - امنیتی آغاز شد و فراتر از این سطح را تجربه نکرد؛ اصل مهم در روابط بین‌الملل، نزدیک شدن کشورها به یکدیگر بر محور روابط اقتصادی است، اما ایران و روسیه از جنبه امنیتی به هم نزدیک شدند که تجربه جدیدی محسوب می‌شود؛ اما همکاری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی در کنار بُعد امنیتی می‌تواند به تقویت ارتباطات راهبردی دو طرف در آینده بیانجامد. بر همین اساس، تکیه صرف بر مناسبات نظامی - امنیتی و عدم مشارکت همه‌جانبه با روس‌ها در حوزه‌های مختلف و حجم پائین مبادلات اقتصادی در سایه فقدان تبادلات فرهنگی و رفت و آمد میان دو کشور نقش بسزایی را در شکل‌گیری یک عامل واگرایی در مناسبات آینده دو کشور ایفا می‌کند. از این رو، می‌بایست مخالفت با روسیه از بحث‌های درون جناحی رایج میان اصول‌گراها و اصلاح‌طلبان



خارج گردد و به حوزه منافع ملی ایران راه یابد و حوزه روشنفکری ایران کمتر متأثر از این سازه‌های فکری تاریخی باشد. البته همان‌گونه که نگاه تردیدآمیز نسبت به روسیه در ایران وجود دارد، متقابلاً روس‌ها نیز نسبت به رویکرد ضد غربی ایران بی‌اعتماد هستند.

3-5. حوزه انرژی

یکی از عوامل واگرا در مناسبات آینده ایران و روسیه که فراتر از پرونده سوریه بوده و امکان تأثیرگذاری آن بر دیگر پرونده‌ها تا حد زیادی می‌رود، حوزه نفت و گاز یا به تعبیر دیگر انرژی است. روس‌ها در انتقال انرژی در حوزه جنوبی خود به اروپا بسیار انحصارگرا بوده و به ایران اجازه اقدام در این حوزه را نمی‌دهند. روس‌ها بیش از هر چیزی نگران هستند که مبادا آمریکا و اروپا برای جایگزینی روسیه در مقوله انرژی به ایران روی بیاورند. بر همین اساس، رقابت ایران و روسیه در حوزه نفت و گاز می‌تواند عاملی واگرا در مناسبات آینده دو کشور باشد. از این رو، پوتین و دولت روسیه به شدت به دنبال ایجاد شکاف در صف اروپا هستند تا این اتحادیه را از کنترل آمریکا به طور کلی خارج کنند تا بدین وسیله وابستگی اروپا به روسیه افزایش یابد.

نتیجه‌گیری

با توجه به ابعاد و محورهایی که در ارتباط با عوامل همگرا و واگرا در مناسبات بلندمدت جمهوری اسلامی ایران و روسیه در سوریه پسا بحران مورد بحث و تحلیل قرار گرفت؛ سه وضعیت یا سناریو احتمال وقوع دارد که در ادامه بدان اشاره می‌گردد:

1. وضعیت باثبات و پایدار

در این وضعیت، شراکت و همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه در پرتو

تمرکز بر تهدیدات مشترک در عرصه نظامی و امنیتی در مرحله پسابحران استمرار می‌یابد و هر دو طرف با توجه به نیاز متقابل به یکدیگر به روند همکاری‌های خود کما فی السابق ادامه می‌دهند. در این وضعیت، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی در حوزه نرم‌افزاری، شبکه‌سازی نیروهای محلی، ارتباط با بدنه اجتماعی، نیاز روسیه به حضور ایران در عرصه میدانی، ادامه روند مذاکرات آستانه و پویایی نقش استراتژیک ایران در سطح منطقه‌ای در تقابل با محور امریکایی از جمله پیش‌ران‌هایی هستند که زمینه و بستر را برای تداوم وضعیت کنونی در مناسبات آینده ایران و روسیه در سوریه آینده فراهم خواهد ساخت. احتمال وقوع این سناریو در صورت عدم پیشبرد مناسبات به سمت یک همکاری همه جانبه در حوزه‌های مختلف بیشتر خواهد بود.

2. رشد مداوم و بهبود شرایط

در وضعیت رشد مداوم و بهبود شرایط، انتظار می‌رود شراکت ایران و روسیه به سمت تثبیت پیش رود؛ در واقع، این وضعیتی فراتر از وضعیت پایدار بوده که منجر به تعریف جایگاه هر بازیگر در نزد دیگری در معادلات راهبردی می‌شود. قدرت‌یابی مجدد گروه‌های تروریستی و شکل‌گیری مجدد هسته‌های پنهان این گروه‌ها، تشدید سیاست‌های ضدروسی امریکا، همکاری همه‌جانبه ایران و روسیه در پرونده سوریه و دیگر پرونده‌های منطقه‌ای و اجتناب از مناسبات تک بعدی و تداوم قدرت و نفوذ محور مقاومت در عرصه منطقه‌ای از جمله پیش‌ران‌های تحول‌سازی در مناسبات آینده ایران و روسیه است که می‌توانند به بهبود شرایط و رشد همکاری‌های میان تهران و مسکو منجر شوند. تحقق این سناریو تا حد زیادی منوط به تلاش جمهوری اسلامی ایران در راستای مهار و کنترل عوامل واگرا و تمرکز بر عوامل همگرا در مناسبات آینده خود با روسیه می‌باشد.



3. سیر سقوط

احتمال وقوع این سناریو در مقایسه با دو سناریوی پیش گفته کمتر می باشد؛ این سناریو در شرایطی رخ خواهد داد که مسیر مناسبات ایران و روسیه در پرونده سوریه از شراکت به سمت رقابت و یا حتی تقابل حرکت کند و احتمال وقوع چنین امری در سایه نیاز متقابل دو کشور به دیگری و تلاش برای حفظ و تضمین منافع ژئوپلیتیکی خود با تکیه بر ظرفیت ها و پتانسیل های یکدیگر بعید به نظر می رسد. در ارتباط با رژیم صهیونیستی که به عنوان عامل عمده واگرایی میان ایران و روسیه در مناسبات آینده دو کشور و نقطه اصلی تقابل ایران با منافع روس ها در جغرافیای سوریه تلقی می شود، به نظر نمی رسد روس ها مایل به تن دادن حداکثری به مطالبات اسرائیل در جغرافیای سوریه باشند. بر همین اساس، تصور مطلوب روس ها این است که ایران و اسرائیل در حالت «توازن وحشت» بمانند تا تعادل نظامی بین دو طرف حفظ شود. به طور حتم در دوره پسا بحران، روس ها تمامی تلاش خود را در راستای ممانعت و پیشگیری از وقوع تنش و بحران میان ایران و رژیم صهیونیستی به کار خواهند گرفت. جمهوری اسلامی ایران در آینده با روسیه در موضوع رژیم صهیونیستی دچار چالش می شود، اما بعید به نظر می رسد که مشکل ایران با اسرائیل به نقطه ای برسد که شراکت راهبردی ایران و روسیه را خدشه دار کند چرا که هر دو بازیگر نیاز متقابل به یکدیگر دارند.

در مجموع باید گفت کشورهای ایران و روسیه به منظور تحقق مجموعه ای از اهداف و منافع، وارد یک شراکت راهبردی در حوزه نظامی - امنیتی در پرونده سوریه شدند و هر دو طرف تلاش کردند با تکیه بر الگوی تقسیم وظایف، موازنه نظامی را به نفع نظام حاکم تغییر دهند. ائتلاف نظامی - امنیتی ایران و روسیه در پرونده سوریه توانست نقش تعیین کننده ای در تغییر معادله نظامی به نفع نظام حاکم در سوریه و به تبع آن ایجاد ثبات در این کشور و مقابله با طرح ها و

نقشه‌های امریکا ایفاء کند و برای نخستین بار این ائتلاف توانست بدون مداخله غرب و امریکا یک پرونده حساس و سرنوشت ساز را در مرحله نظامی - امنیتی حل و فصل نماید. در واقع شراکت ایران و روسیه در سوریه موفق شد از یک سوءاوضاع را به نفع دولت این کشور تغییر دهد و از سوی دیگر سیاست‌های غرب را در خاورمیانه با بن‌بست مواجه کند.

همکاری تهران و مسکو نشان داد جمهوری اسلامی ایران توان ائتلاف‌سازی با بازیگران معارض ایالات متحده آمریکا را دارد. ائتلاف با روسیه در پرونده سوریه به‌رغم تمام چالش‌ها و ملاحظات، یکی از نمونه‌های بازیگری منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است که موفق به تغییر شرایط سوریه به نفع جبهه مقاومت شد.

در پی نتیجه بخش بودن شراکت ایران و روسیه در عرصه میدانی تحولات، روند جدیدی از همکاری‌ها میان ایران و روسیه در عرصه سیاسی آغاز شد و هر دو کشور در فرایند حل و فصل سیاسی تحولات سوریه اقدام به نقش آفرینی کردند. شکل‌گیری روند مذاکرات آستانه با محوریت ایران و روسیه و ترکیه و بدون مشارکت نمایندگان کشورهای عربی و غربی، اقدام دیگری بود که نشان می‌داد ائتلاف ایران و روسیه توانسته تا حد زیادی ابتکار عمل را از دست کشورهای غربی خارج کند. حضور ترکیه در کنار ایران و روسیه در پرونده سوریه بیانگر نتیجه‌بخش بودن ائتلاف و شراکت راهبردی ایران و روسیه در این پرونده می‌باشد به گونه‌ای که این ائتلاف توانسته است ضمن اثرگذاری بر روند تحولات نظامی - امنیتی در سوریه، بازیگران جدیدی را در عرصه منطقه‌ای به سمت خود جلب نماید و در روندهای بعدی بحران سوریه از ظرفیت‌های این بازیگر نیز بهره‌مند گردد. این در حالی است که پیش‌تر در جریان نشست‌های ژنو درباره سوریه، نه تنها آمریکا و کشورهای عربی، ابتکار عمل را در دست داشتند، بلکه از حضور ایران نیز ممانعت به عمل می‌آوردند.



چشم‌انداز همکاری و شراکت ایران و روسیه در پرونده سوریه با توجه به نیاز متقابل هر دو طرف به یکدیگر و بهره‌مندی هر یک از بازیگران از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های متعدد و تأثیرگذار بر روندهای مختلف تحولات سوریه در مرحله پس‌بحران با توجه به شرایط خاص این کشور در مرحله آینده، به گونه‌ای پیش خواهد رفت که زمینه و بستر لازم را برای استمرار این همکاری‌ها در آینده فراهم خواهد ساخت اما عدم گسترش این همکاری در بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و انحصار آن در عرصه نظامی - امنیتی تضمین مناسبات دو کشور در این پرونده و یا دیگر پرونده‌ها را با چالش مواجه خواهد ساخت.

روس‌ها به این باور رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند اقدامات مهم و تأثیرگذاری در عرصه‌های مختلف انجام دهد. نبود ایران در حلقه روسیه یک محدودیت استراتژیک برای این کشور محسوب می‌شود و متقابلاً نبود روسیه در حلقه ایران هم یک محدودیت استراتژیک است. در واقع، نیاز متقابل استراتژیک دو کشور را به هم نزدیک کرده است. مبنای واگرایی و همگرایی در روابط ایران و روسیه این است که دو طرف نیاز متقابل استراتژیک همه‌جانبه دارند و بر همین اساس، این نیاز متقابل که در ابعاد نظامی و امنیتی آغاز شده، می‌بایست در حوزه اقتصادی هم تقویت شود.

عامل اقتصادی می‌تواند به عنوان یک عامل همگرا یا پیشران در تقویت مناسبات دو کشور ایفای نقش کند. اقتصاد یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی و بررسی سطح مناسبات میان دو کشور است به طوری که اهمیت این شاخص در حال پیشی گرفتن از سایر شاخص‌ها می‌باشد. در واقع در کنار مؤلفه‌های سیاسی - امنیتی، مؤلفه اقتصادی نیز از جایگاه ویژه‌ای در عمق‌بخشی به مناسبات میان دو کشور و پیشبرد آن به سمت راهبردی شدن برخوردار است. استمرار و تداوم همکاری و شراکت جمهوری اسلامی ایران و روسیه در پرونده سوریه و به تبع آن گسترش این همکاری در دیگر پرونده‌های منطقه‌ای، مستلزم تقویت و

توسعه همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اقتصادی می‌باشد. عامل اقتصادی می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در پیشگیری از تضعیف و یا کاهش مناسبات دو کشور و حتی ترمیم فوری و سریع این مناسبات در صورت ایجاد چالش و یا تخریب در مسیر این روابط، ایفای نقش کند. تعریف پروژه‌های مشترک در مرحله بازسازی می‌تواند به مدیریت روابط ایران و روسیه در عرصه اقتصادی کمک خواهد کرد و دو کشور را از مرحله «رقابت» به مرحله «شراکت» همه‌جانبه منتقل می‌نماید.



منابع و مأخذ

- آزاد، امیر حامد (1397)، مصاحبه اختصاصی نگارنده با کارشناس مسائل سوریه، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
- برزگر، کیهان (1397)، مصاحبه اختصاصی نگارنده با استاد روابط بین‌الملل، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
- بهمن، شعیب (1396)، تأثیر اقتدار منطقه‌ای ایران بر مدیریت حضور روسیه در سوریه، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، زمستان 96
- رئوف شیبانی (1397)، مصاحبه اختصاصی نگارنده با سفیر سابق ایران در سوریه، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
- کاظمی قمی (1397)، مصاحبه اختصاصی نگارنده با کارشناس مسائل غرب آسیا، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

منابع لاتین و عربی

- المركز الإستشاری للدراسات والتوثیق (2018) روسيا والمسار السياسي فی سوريا: البحث عن استراتيجية خروج، تموز 2018، العدد الثاني عشر
- الأمين، ابراهيم، (2015) تحالف 1+4 لمواجهة الإرهاب، قابل بازیابی در آدرس زیر:
www.al-akhbar.com/syria/11475
- الجزيرة (2016) ایران وروسيا: شراكة أم تحالف استراتيجي؟ قابل بازیابی در آدرس زیر:
www.studies.aljazeera.net/ar/reports/2016/05/160518084645471.html
- رند (2017) الإستراتيجية الروسية فی الشرق الاوسط، قابل بازیابی در آدرس زیر:
www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/pe200/pe236/RAND_pe236z1.arabic.pdf
<https://foreignpolicy.com/2016/08/30/Vladimir-putin-and-shiite-axis-russia-iran-syria/>